

## بررسی رابطه بین پنج عامل شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج‌های در آستانه طلاق

دکتر امید مرادی<sup>۱</sup>

دکتر ناصر یوسفی<sup>۲</sup>

### چکیده

به دلیل افزایش روز افزون طلاق و پیامدهای مخربی که این پدیده می‌تواند برای افراد و جوامع داشته باشد، این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و کیفیت زندگی زوج‌های در آستانه طلاق پرداخته است. طرح پژوهشی حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را تمامی زوج‌های متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره خانواده دادگستری شهرستان سنندج و مرکز مشاوره بهزیستی در سال ۱۳۹۰ تشکیل داده است. مشارکت‌کنندگان ۵۷ زن و ۳۳ مرد در آستانه طلاق بودند که از طریق روش نمونه‌گیری در دسترس و داوطلبانه انتخاب و با استفاده از ابزارهای پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی NEO-FFI، و پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF) مطالعه شدند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین روان‌رنجورخویی و کیفیت زندگی رابطه معکوس و معنادار، بین برون‌گرایی و کیفیت زندگی، انعطاف‌پذیری و کیفیت زندگی، و مسئولیت‌پذیری و کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد؛ اما بین دل‌پذیر بودن و کیفیت زندگی رابطه معنادار به دست نیامد. ۱۳ درصد واریانس مربوط به کیفیت زندگی توسط پنج عامل شخصیت تبیین شد. با توجه به نتایج این پژوهش، مشاوران و درمانگران خانواده می‌توانند برای مشاوره‌های قبل از

---

<sup>۱</sup>. استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، کردستان، ایران.

<sup>۲</sup>. نویسنده مسئول: استادیار گروه مشاوره خانواده دانشگاه کردستان - Email: [Naseryoosefi@yahoo.com](mailto:Naseryoosefi@yahoo.com)

ازدواج به نقش خصوصیات شخصیتی توجه نمایند و افراد در آستانه ازدواج را نسبت به این عوامل آگاه نمایند.

## واژگان کلیدی: پنج عامل شخصیتی، کیفیت زندگی، زوج‌های در آستانه طلاق

### مقدمه

خانواده، آیینۀ تمام‌نمای جامعه است و از آن تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد. هنگامی که از نهاد خانواده صحبت به میان می‌آید، بلافاصله در ذهن صمیمیت، عشق و علاقه تداعی می‌شود. وجود ثبات، استحکام، و برقراری نظم در این نهاد منوط به داشتن روابط گرم اعضای خانواده با یکدیگر است. در اغلب ازدواج‌های سالم، اختلافاتی وجود دارد، اما به طرز معقول حل و فصل می‌شود. اما گاهی بروز مشکلات فراوان در راه زندگی زناشویی و خانوادگی به طور بالقوه قادر به تهدید کانون گرم خانواده بوده و می‌تواند زیربنای اولیه لغزش را در زندگی خانوادگی به وجود آورد (ستوده و بهاری، ۱۳۸۶). تحقیقات نشان داده‌اند که ازدواج سالم یک پیش‌بینی‌کننده مهم از بهزیستی فیزیکی، هیجانی، و مالی برای افراد، خانواده‌ها، و کودکان است. برای مثال، زوج‌های سازگار، تجارب ازدواجی سالم تری نسبت به زوج‌های ناسازگار دارند (بلنکارد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). تعارضات زناشویی و طلاق از عوامل مهمی هستند که بهداشت روان و در نتیجه کیفیت زندگی اعضای خانواده را به خطر می‌اندازند (رادریگیوز، ۲۰۰۷؛ اولسن، و دفراین، ۲۰۰۶).

کیفیت زندگی، شامل ویژگی‌های فردی شخص (مانند سلامت جسمانی و روانی، بهزیستی روانی-اجتماعی، و عملکرد فرد که شامل احساسات مستقل، و کنترل روی زندگی) و محیط بیرونی (مانند شرایط اجتماعی-اقتصادی، کار، ساخت محیط، و اجتماع) می‌باشد (بولینگ<sup>۲</sup> و گابریل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). کیفیت زندگی مفهومی وسیع دارد، که

<sup>1</sup>. Blanchard, V.L.

<sup>2</sup>. Bowling, A.

تمامی جنبه های زندگی فعلی فرد را در بر می گیرد. کیفیت برای زندگی مثل نحوه بازی کردن است، طول مدت آن مهم نیست، بلکه چگونگی بازی کردن آن مهم است. عواملی مانند رویدادها و شرایط عینی زندگی مطلوب و خوشایند، رضایتمندی از زندگی را تقویت می کند. تفاوت های فردی یا متغیر های محیطی که احتمال رضایتمندی بیشتر از زندگی را افزایش می دهند، عوامل محافظت کننده نامیده می شوند، و عواملی که میزان رضایتمندی از زندگی را کاهش می دهد، عوامل خطر ساز یا آسیب پذیر نامیده می شوند. مانند مهارت های انطباقی ناکافی، صفات شخصیتی منفی مانند روان رنجوری، منفی گرایی عاطفی، عزت نفس پایین، بدبینی، آسیب پذیری زیست شناختی، انزوای اجتماعی، تجارب منفی خانوادگی، و فراوانی کم رویدادهای خوشایند (فریش، ۲۰۰۶، ترجمه خمسه، ۱۳۸۹). عوامل خطر ساز کیفیت زندگی را می توان تحت دو عنوان کلی عوامل درون فردی (خصوصیات شخصیتی، افکار و اعتقادات بنیادی، و عوامل ارثی)، و عوامل بیرونی (تجارب منفی خانوادگی، فقدان مهارت ها، یادگیری های نامناسب و عوامل فرهنگی-اجتماعی) تقسیم نمود. این عوامل اگر به صورت منفی و ناسازگار باشند، می توانند کیفیت زندگی فرد را به خطر اندازند و اگر به صورت سازگارانه و مثبت در فرد و زندگی وجود داشته باشند، کیفیت زندگی را بهبود می بخشند. زوج های در آستانه طلاق به دلیل تعارضات بالا و افکار و هیجانات منفی ای که دارند، کیفیت زندگی نامناسبی داشته و رضایت شان از زندگی پایین می باشد.

شخصیت یکی از عوامل مهمی است که می تواند در کیفیت زندگی و به تبع آن رضایت یا عدم رضایت زناشویی و طلاق نقش مهمی داشته باشد. آلپورت شخصیت را عبارت از سازماندهی پویای نظام های روانی - فیزیولوژیایی درون فرد که سازگاری منحصر بفرد وی را نسبت به جهان تعیین می کند (کرسینی<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹)، تعریف کرده است. همچنین هیلگارد<sup>۳</sup>: شخصیت را الگوی معینی از رفتار و شیوه های تفکر می داند که نحوه

<sup>3</sup>. Gabril, Z.

<sup>2</sup>. Corsini, R. Y.

<sup>3</sup>. Hilgard E. R.

سازگاری شخص را با محیط تعیین می‌کند (اتکینسون<sup>۱</sup>، اتکینسون<sup>۲</sup>، و هیلگارد، ۱۹۸۳، ترجمه براهنی و همکاران، ۱۳۷۵). نظریه‌های شخصیت و پیشرفت در روش‌های اندازه‌گیری و تحلیل آماری، منجر به پیدایش یکی از نافذترین نظریه‌های شخصیتی معاصر گردیده که به مدل پنج عامل بزرگ شخصیت (FFM) معروف است. مدل مذکور به وسیله کاستا و مک کری در اواخر دهه ۸۰ میلادی ارائه شد. در این نظریه پنج عامل بزرگ با عناوین روان رنجوری در برابر ثبات هیجانی، برون‌گرایی در برابر درون‌گرایی، مسئولیت‌پذیری در برابر بی‌مسئولیتی، توافق در برابر مخالفت، و باز بودن نسبت به تجربه در برابر بسته بودن، مطرح می‌شود. فرض بر این است که این پنج عامل بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی را شامل می‌شوند (کاستا<sup>۳</sup> و مک کری<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰). تحقیقات در رابطه با ویژگی‌های شخصیتی و ثبات زناشویی، نشان داده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی مانند روان رنجوری پایین، سازگاری بالا، وجدانی بودن بالا، برون‌گرایی بالا و باز بودن نسبت به تجربه، ارتباط معناداری با سطوح رضایت زناشویی و به تبع آن ثبات زناشویی دارند (کوردک<sup>۵</sup>، ۱۹۹۳؛ زالسکی<sup>۶</sup> و گالکوسکا<sup>۷</sup>، ۱۹۸۷؛ مالوف<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). هاستون و هاتس (۱۹۹۸) ذکر کردند که شخصیت به شالوده روانشناختی رابطه پایدار کمک می‌کند و بنابراین پیش‌بینی‌کننده اصلی موفقیت یا عدم موفقیت رابطه است (به نقل از رادریگیوز<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). آماتو و پریوتی<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) دریافتند که مشکلات شخصیتی شخصیتی جزء پنجمین عامل ذکر شده برای طلاق می‌باشد که توسط تقریباً ۱۰٪ از افراد طلاق گرفته ذکر شده است (به نقل از رادریگیوز و همکاران، ۲۰۰۷). در میان متغیرهای

<sup>1</sup>. Atkinson, R.L.

<sup>2</sup>. Atkinson, R.C.

<sup>3</sup>. Costa, P.T.

<sup>4</sup>. McCrea, R.R.

<sup>5</sup>. Kurdek, L.A.

<sup>6</sup>. Zaleski, Z.

<sup>7</sup>. Galkowska, M.

<sup>8</sup>. Malouff, J.M.

<sup>9</sup>. Rodrigues, A. E.

<sup>10</sup>. Previti, D.

شخصیتی که به عنوان پیش‌بینی کننده‌های طلاق/ جدایی روابط، در نظر گرفته شده اند (اختلال های عصبی از قبیل گرایش عمومی به سوی احساس های منفی از قبیل ترس، عصبانیت، دستپاچگی، خشم، و گناه) از بالاترین میزان برخوردار هستند (کرنی<sup>۱</sup> و بردبری<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵). در سطح بالاتر اختلالات عصبی بطور ثابت با میزان صعودی طلاق مرتبط است. کرنی و بردبری (۱۹۹۵) بیان می کنند که ویژگی های شخصیتی از قبیل عدم ثبات عاطفی، یا عصبی بودن آسیب پذیری های ماندگاری بوجود می آوردند که بر سازگاری زوجین در مقابل تجارب استرس زا تاثیر می گذارد. روان رنجور خویی، در پژوهشهای مختلف رابطه منفی خود را با سازگاری و رضایت زناشویی نشان داده است (آیزینگ<sup>۳</sup>، ۱۹۸۰؛ راسل<sup>۴</sup> و ولز<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴؛ توماسن<sup>۶</sup> و گیلبرت<sup>۷</sup>، ۱۹۹۷؛ به نقل از عطاری و عطاری و همکاران، ۱۳۸۵). دیگر خصوصیات شخصیتی مانند باز بودن، برونگرایی، وجدانی بودن، و توافق نیز با رضایت زناشویی همبستگی مثبت دارند (بوتوین<sup>۸</sup>، باس<sup>۹</sup> و شاکلفورد<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۷؛ کاسیلاس<sup>۱۱</sup> و واتسون<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳؛ واتسون، هوبارت<sup>۱۳</sup> و ویوس<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۰؛ به نقل از عطاری و همکاران، ۱۳۸۵). همچنین در یک تحقیق طولی، پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که عواملی مانند خصوصیات شخصیتی (خشم، دمدمی بودن)، عدم درک همسر، پیمان شکنی یا خیانت، ول خرجی، مصرف الکل و مواد مخدر، حسادت، و عادت های آزارنده از پیش‌بینی کننده های قوی طلاق می باشد. ازدواج در سن پایین،

<sup>1</sup>. Karney, B.R.

<sup>2</sup>. Bradbury, T.

<sup>3</sup>. Eysenck, H.J.

<sup>4</sup>. Russel, R.J.H.

<sup>5</sup>. Wells, P.A.

<sup>6</sup>. Thomasen, D.G.

<sup>7</sup>. Gilbert, D.G.

<sup>8</sup>. Butwin

<sup>9</sup>. Buss

<sup>10</sup>. Shakelford

<sup>11</sup>. Casellas

<sup>12</sup>. Watson

<sup>13</sup>. Hubbard

<sup>14</sup>. Wiese

نداشتن اعتقادات مذهبی، قبلاً مطلقه بودن و برخورداری از والدینی که طلاق گرفته بودند با افزایش احتمال طلاق رابطه داشتند، تا اندازه ای به این علت که این عوامل بیشتر با مشکلات زناشویی مرتبط بودند (آماتو<sup>۱</sup> و راجرز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۷). نتایج پژوهش حسینی نسب و همکاران (۱۳۸۸)، نشان داد که بین ویژگی های توافق پذیری، برون گرایی، دلپذیر بودن و انعطاف پذیری با سازگاری زناشویی همبستگی مثبت و معنی دار، و بین روان رنجورخویی و سازگاری زناشویی همبستگی منفی معنی دار بدست آمد. ویژگی های باوجدان بودن، توافق پذیری و روان رنجور خویی، توان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را داشته اند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ویژگی های باوجدان بودن، توافق پذیری، و روان رنجورخویی و سبک حل تعارض همراهانه، توان پیش‌بینی سازگاری زناشویی را به صورت معنی داری دارند.

با توجه به ادبیات تحقیق، خصوصیات شخصیتی نامناسب زوجین یکی از علت های به وجود آورنده تعارضات و افزایش طلاق در بین جوامع مختلف بوده است که این عامل به نوبه خود باعث افزایش اختلالات جسمانی و روانی در زوج ها گردیده و کیفیت زندگی آنها را به خطر انداخته است. تعارضات زناشویی و طلاق می‌تواند اختلال های روانی، افسردگی، و اضطراب (اولسن<sup>۳</sup> و دفراین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶)، مشکلات اجتماعی شماری مانند فقر، بزه، سوء مصرف دارو، کاهش استانداردهای تحصیلی و کاهش معاشرت با همسالان و دوستان، پیامدهای منفی عاطفی، رفتاری و بهداشتی برای بچه ها و بزرگسالان (آماتو، ترجمه محمدی زادگان، ۱۳۸۰)، رفتار تکانشی و ضد اجتماعی، عزت نفس شان پایین، و روابط ناموفق مکرر (لورای برک، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۴) را برای افراد درگیر در آن به وجود بیاورد. با توجه به نتایج منفی ای که تعارضات زناشویی و طلاق برای زوج ها، فرزندان و جامعه دارد، لازم و ضروری است در خصوص متغیرهای مرتبط با آن و

<sup>1</sup>. Amato, P.R.

<sup>2</sup>. Rogers, S.J.

<sup>3</sup>. Olson, D. H.

<sup>4</sup>. Defrain, J.

کاهش این معضل به پژوهش و مطالعه پرداخته شود. تحقیقات قبلی انجام شده در این خصوص به نقش عوامل منفی از بعد شخصیتی اشاره و این مورد را روشن نموده اند، این تحقیق در راستا و ادامه تحقیقات قبلی با هدف روشن نمودن و باز تایید نمودن نقش خصوصیات شخصیتی منفیدر تعارضات زناشویی و طلاق و همچنین رابطه ویژگی های شخصیتی با کیفیت زندگی و ابعاد آن در زوج های در آستانه طلاق در یک دوره زمانی هفت ماهه در شهرستان سنندج پرداخته است و همچنین قصد دارد خصوصیات شخصیتی منفی تاثیرگذار در تعارضات زناشویی زوج های در آستانه طلاق شناسایی شود، به همین خاطر برای دستیابی به این اهداف، فرضیه های زیر ارائه می شود.

## روش

با توجه به این که در این پژوهش به بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج های در آستانه طلاق پرداخته شده است، این پژوهش از نظر روش شناسی، جزء تحقیقات توصیفی از نوع همبستگی قرار می گیرد.

### جامعه، نمونه و روش نمونه گیری:

جامعه آماری پژوهش را تمامی زوج های متقاضی طلاق مراجعه کننده به مرکز مشاوره خانواده دادگستری شهرستان سنندج و مرکز مشاوره و خدمات روانشناختی بهزیستی شهرستان سنندج در سال ۱۳۹۰، تشکیل می دهند. از بین زوج های متقاضی طلاق مراجعه کننده به دادگستری شهرستان سنندج و مرکز مشاوره و خدمات روان شناختی بهزیستی شهرستان سنندج ۵۷ زن و ۳۳ مرد در آستانه طلاق (این تعداد ۳۳ زوج و ۲۴ زن بودند) که حاضر به همکاری می شدند، از طریق روش نمونه گیری در دسترس و داوطلبانه برای نمونه این پژوهش انتخاب شدند.

### ابزار:

۱. پرسشنامه شخصیتی پنج عاملی NEO-FFI: این پرسشنامه یکی از آزمون های شخصیتی است که بر اساس تحلیل عوامل ساخته شده است. این پرسشنامه توسط کاستا و مک کریدر سال ۱۹۸۵ تحت عنوان پرسشنامه شخصیتی NEO معرفی شد. فرم بلند این

پرسشنامه در ۲۴۰ عبارت، به منظور اندازه‌گیری پنج عامل یا حیطه اصلی روان‌نژندی (N)، برون‌گرایی (E)، انعطاف‌پذیری (O)، دلپذیر بودن (A)، و مسولیت‌پذیری و باوجدان بودن (C) طراحی شده است. همچنین این پرسشنامه فرم دیگری به نام NEO-FFI دارد که یک پرسشنامه ۶۰ سوالی است و برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت به کار می‌رود (کاستا و مک کری، ۱۹۹۰؛ به نقل از کیامهر، ۱۳۸۱). مک کری و کاستا (۲۰۰۴) در مطالعه‌ای که برای تجدید نظر در پرسشنامه NEI-FFI انجام دادند، ضریب آلفای کرونباخ برای پنج عامل روان‌رنجور خوبی (N)، ۰/۸۶؛ برون‌گرایی (E)، ۰/۸۰؛ بازبودن (O)، ۰/۷۵؛ توافق (A)، ۰/۶۹؛ و وجدانی بودن (C)، ۰/۷۹؛ گزارش کردند. همچنین همسانی درونی زیر مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ برآورد شده است (به نقل از کیامهر، ۱۳۸۱). در پژوهش حق‌شناس (۱۳۷۸)، که بر روی نمونه شهر شیراز انجام گرفته بود، پایایی درونی این آزمون، برای پنج عامل N، E، O، A، و C، به ترتیب ضریب آلفای ۰/۸۱، ۰/۷۱، ۰/۵۷، ۰/۷۱، و ۰/۸۳، گزارش شده است. شیوه نمره‌گذاری سوالات بصورت لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخافم (۰)، تا کاملاً موافقم (۴) می‌باشد. برخی پرسش‌ها به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

## ۲. پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF):

این پرسشنامه توسط سازمان جهانی بهداشت برای سنجش کیفیت زندگی افراد طراحی شده است. ابزار اندازه‌گیری عمومی کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی، به دو صورت WHOQOL-100، و WHOQOL-BREF می‌باشد. پرسشنامه WHOQOL-BREF پس از ادغام برخی از حیطه‌ها و حذف تعدادی از سوالات WHOQOL-100 ایجاد شد. این پرسشنامه دارای چهار حیطه‌ی سلامت جسمانی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط را با ۲۴ سوال می‌سنجد (هر یک از حیطه‌ها به ترتیب دارای ۷، ۶، ۳ و ۸ سوال می‌باشند). دو سوال اول به هیچ حیطه‌ای تعلق ندارند و وضعیت سلامت و کیفیت زندگی را به شکل کلی مورد ارزیابی قرار می‌دهند، بنابراین پرسشنامه در مجموع ۲۶ سوال دارد. حداقل نمره در این مقیاس برابر ۲۶ (نشانه بدترین) و حداکثر نمره برابر



۱۳۰ (نشانه بهترین) می باشد (WHOQOL group 1996)؛ به نقل از نجات و همکاران، (۱۳۸۵). پایایی این آزمون با شاخص همبستگی درون خوشه ای در حیطه سلامت فیزیکی ۰/۷۷، سلامت روانی ۰/۷۷، روابط اجتماعی ۰/۷۵، و سلامت محیط ۰/۸۴ بود. این ابزار همچنین از روایی قابل قبولی برخوردار می باشد (نجات و همکاران، ۱۳۸۵).

**شیوه تجزیه و تحلیل داده ها:** برای تجزیه و تحلیل داده ها، از شاخص ها و روش های آمار توصیفی مانند توزیع فراوانی، میانگین، انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس، و رگرسیون چند متغیرها استفاده شده است.

### یافته ها

با توجه به خصوصیات جمعیت شناختی نمونه مورد بررسی، دامنه سنی آزمودنی ها بین ۲۰ تا ۴۵ سال بود. بیشترین درصد فراوانی تحصیلات مربوط به سطح تحصیلات دیپلم بوده است. در زوج های در آستانه طلاق حدود ۶۸ درصد زنان خانه دار، و این درصد در مردان در آستانه طلاق به شغل های آزاد تعلق داشت. بیشترین درصد فراوانی زوجین بدون فرزند بوده اند. در زنان در آستانه طلاق ۱۰ درصد و در مردان در آستانه طلاق ۲۱ درصد ازدواج مجدد گزارش شده است. مدت ازدواج در زوجین در آستانه طلاق کمتر از ۵ تا ۱۰ سال گزارش شده است. حدود ۲۳ درصد از والدین زنان و ۱۸ درصد از والدین مردان در آستانه طلاق با ازدواج فرزندان شان موافق نبوده اند.

برای بررسی فرضیه های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شد که نتایج توصیفی در جدول شماره ۱ و نتایج ضریب همبستگی، و تحلیل رگرسیون در جدول شماره ۲، ۳ و ۴ نشان داده شده است.

## جدول ۱. میانگین و انحراف معیار مولفه های تست شخصیت نئو و ابعاد پرسشنامه کیفیت زندگی در نمونه مورد بررسی

شاخص	میانگین	انحراف استاندارد
نوروتیک	۲۳/۵۰	۷/۹۳
برونگرایی	۲۷/۷۱	۵/۳۵
توافق	۲۶/۵۱	۴/۵۸
بازبودن	۳۰/۳۰	۵/۸۳
وجدانی بودن	۳۴/۲۸	۶/۵۳
سلامت جسمانی	۲۳/۹۶	۴/۲۳
سلامت روانشناختی	۱۶/۶۷	۴/۱۳
روابط اجتماعی	۸/۹۳	۲/۶
سلامت محیط	۲۲/۵۶	۶/۰۲
کیفیت زندگی	۷۷/۸۷	۱۵/۳۹

## جدول ۲. همبستگی بین نمرات کیفیت زندگی و نمرات مولفه های پرسشنامه شخصیتی نئو

مولفه ها	سلامت جسمانی	سلامت روانشناختی	روابط اجتماعی	سلامت محیطی	کیفیت زندگی
روان رنجورخویی	-۰/۳۴۴**	-۰/۳۳۴**	-۰/۲۵۶°	-۰/۳۷۹**	-۰/۳۹۰**
برون گرایی	۰/۴۴۷**	۰/۲۱۲°	۰/۲۱۰°	۰/۲۸۴**	۰/۳۴۲**
دلپذیر بودن	۰/۰۸	۰/۱۲۰	۰/۰۲۸	۰/۱۳۳	۰/۱۰۵
انعطاف پذیری	۰/۲۹۶**	۰/۲۰۵	۰/۱۷۸	۰/۲۹۳**	۰/۲۸۳**
مسئولیت پذیری	۰/۳۳۵**	۰/۱۲۲	۰/۱۵۱	۰/۲۱۸°	۰/۲۳۰°

\*  $p \leq 0/05$

\*\*  $p \leq 0/01$

با توجه به نتایج جدول شماره ۲، ضرایب همبستگی بدست آمده بین روان رنجورخویی و کیفیت زندگی، برون گرایی و کیفیت زندگی، انعطاف پذیری و کیفیت زندگی، در سطح  $p \leq 0/01$ ، و مسئولیت پذیری و کیفیت زندگی در سطح  $p \leq 0/05$  معنادار

است؛ و بین دلپذیر بودن و کیفیت زندگی رابطه معنادار بدست نیامد. به همین خاطر تمامی فرضیه ها پژوهش به غیر از فرضیه شماره ۳ مورد تایید قرار گرفت. همچنین برای بررسی واریانس مربوط به رگرسیون پنج عامل شخصیت بر کیفیت زندگی از تحلیل رگرسیون استفاده شد، که نتایج در جدول شماره ۳ ارائه گردیده است.

### جدول ۳. تحلیل واریانس مربوط به رگرسیون پنج عامل شخصیت بر کیفیت زندگی

منبع واریانس	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معنادار	R	R <sup>۲</sup>	SE	SE <sub>ب</sub>
رگرسیون	۳۷۴۹/۳۶۲	۵	۷۴۹/۸۲۷						
باقیمانده	۱۷۱۰۸/۲۷۹	۸۳	۲۰۶/۱۲۴	۳/۶۳۸	۰/۰۰۵	۰/۴۲۴	۰/۱۸۰	۰/۱۳۰	۱۴/۳۵۷
کل	۲۰۸۵۷/۶۴۰	۸۸							

بر اساس این نتایج میزان F مشاهده شده (۳/۶۳۸) در سطح ( $P \leq 0/01$ ) معنادار است و ۱۳٪ واریانس مربوط به کیفیت زندگی به وسیله پنج عامل شخصیت تبیین می شود ( $R = 0/130$  تعدیل یافته). با توجه به معنی دار بودن رگرسیون پنج عامل شخصیت بر کیفیت زندگی ضرایب مربوط به معادله پیش بینی در جدول ۴ ارائه گردیده است.

### جدول ۴. ضرایب معادله پیش بینی کیفیت زندگی با استفاده از پنج عامل شخصیت

مدل	B ضرایب	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد	t	دار معنی
مقدار ثابت	۷۵/۸۶۶	۱۸/۹۹۷		۳/۹۹۴	۰/۰۰۱
روان رنجور خوبی	-۰/۵۴۱	۰/۲۵۲	-۰/۲۷۹	-۲/۱۴۴	۰/۰۳۵
برون گرایی	۰/۵۴۵	۰/۳۹۳	۰/۱۹۰	۱/۳۸۵	۰/۱۷۰
دلپذیر بودن	-۰/۰۶۵	۰/۳۵۴	-۰/۰۱۹	-۰/۱۸۳	۰/۸۵۵

۰/۷۴۸	۰/۳۲۳	۰/۰۴۴	۰/۳۶۱	۰/۱۱۷	انعطاف پذیری
۰/۸۳۶	-۰/۲۰۸	-۰/۰۲۷	۰/۳۰۶	-۰/۰۶۴	مسئولیت پذیری

ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد که تنها روان رنجورخویی ( $P \leq ۰/۰۳۵$ ) می‌تواند واریانس متغیر سلامت عمومی را به صورت معنادار تبیین کند. ضریب تأثیر روان رنجورخویی ( $B = -۰/۵۴۱$ ) با توجه به آماره  $t$  نشان می‌دهد که روان رنجورخویی با اطمینان  $۰/۹۵$  می‌تواند تغییرات مربوط به کیفیت زندگی را پیش‌بینی کند. این ضریب تأثیر منفی است و معنای آن این است که اگر یک واحد به میزان روان نژندی اضافه شود، مقدار  $۰/۵۴۱$  از نمره فرد در کیفیت زندگی کاسته می‌شود. بنابراین مدل رگرسیونی برازش شده به این داده‌ها به صورت  $y = ۷۵/۸۶۶ - ۰/۵۴۱x + \epsilon$  خواهد بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

در خصوص تمامی فرضیه‌ها، نتایج نشان داد که بین روان رنجورخویی و کیفیت زندگی رابطه معکوس و معنادار، برونگرایی و کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنادار، انعطاف پذیری و کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنادار، و مسئولیت‌پذیری و کیفیت زندگی رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد؛ اما بین دلپذیر بودن و کیفیت زندگی رابطه معنادار بدست نیامد.  $۱۳٪$  واریانس مربوط به کیفیت زندگی توسط پنج عامل شخصیت پیش‌بینی شد. نتایج این سوال را می‌توان با نتایج تحقیقات میرزایی و حاتمی (۱۳۸۹)؛ کاستا و مک کری (۱۹۸۰)؛ حسینی نسب، بدری، و قائمیان اسکویی (۱۳۸۸)؛ فیشر<sup>۱</sup> و مک نولتی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸)، به نقل از حسینی نسب، بدری، و قائمیان اسکویی، (۱۳۸۸)؛ کشاورز و وفاپیان (۱۳۸۶)؛ شیخ الاسلامی، نجاتی، و احمدی (۱۳۹۰)؛ حقیقی و همکاران (۱۳۸۵)؛ دنو<sup>۳</sup> و

<sup>1</sup>. Fisher, TD.

<sup>2</sup>. McNulty, JK.

<sup>3</sup>. DeNeve, K.M.

کوپر<sup>۱</sup> (۱۹۹۸)، به نقل از حقیقی و همکاران، (۱۳۸۵)؛ و فارنهام<sup>۲</sup> و چنگ<sup>۳</sup> (۱۹۹۷)، به نقل از حقیقی و همکاران، (۱۳۸۵) همسو می باشد.

در تبیین نتایج این سوال می توان گفت که افراد شاد و غیر شاد دارای ویژگی های شخصیتی متفاوتی هستند (داینر<sup>۴</sup>، سو<sup>۵</sup>، لوکاس<sup>۶</sup> و اسمیت<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹)، شادی که خود زیر مجموعه ای از کیفیت زندگی است، وجود آن باعث افزایش کیفیت زندگی خواهد شد. خصوصیت شخصیتی برون گرایی با هیجان های مثبت و شادکامی همبستگی قوی دارد (کاستا و مک کری، ۱۹۸۰). افراد برون گرا به دلیل گرایش به محیط های بیرون و ارتباط با دیگران از زندگی لذت بیشتری می برند. اما بین روان رنجور خوئی و شادکامی رابطه منفی و قوی وجود دارد (لارسن<sup>۸</sup> و کتلا<sup>۹</sup>، ۱۹۹۱، به نقل از حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵). افراد روان رنجور به دلیل اضطراب و نداشتن مهارت های اجتماعی از موقعیت هایی که دیگران لذت می برند، گریزانند و این خود باعث پایین آمدن شادکامی و کیفیت زندگی شان می شود، در حالی که برون گرایان وقت بیشتری را صرف فعالیت های اجتماعی می کنند.

در پژوهشی که توسط گونزالز گوتیرز<sup>۱۰</sup> و همکارانش (۲۰۰۵)، انجام گرفت، نشان دادند که نوع شخصیت در بهزیستی روانی تاثیر مثبتی دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین پنج عامل شخصیت، روان رنجور خوئی و پذیرا بودن نسبت به تجارب، همبستگی بالایی با بهزیستی روانی داشتند. همچنین ارتباط مثبتی بین پذیرا بودن نسبت به تجارب و اجزاء مثبت و منفی عاطفه وجود داشت. در تحقیقی که توسط عبدالله زاده

1. Cooper, H.

2. Furnham, A.

3. Cheng, H.

4. Diener, E.

5. Suh, E.M.

6. Lucas, R.E.

7. Smith, H.L.

8. Larsen

9. Ketelar

10. González Gutiérrez, J.L.

(۱۳۸۲)، تحت عنوان بررسی رابطه خصوصیات شخصیتی و رضایت زناشویی انجام گرفت، نتایج زیر بدست آمد. عوامل شخصیتی مانند (برونگرایی، دلبذیر بودن و باوجدان بودن) با رضایت زناشویی رابطه مثبت داشتند. و عامل روان رنجورخویی با رضایت زناشویی رابطه منفی داشت؛ این نتایج توسط عطاری و همکاران (۱۳۸۵) نیز بدست آمد. همچنین کوردک (۱۹۹۱)، نشان داد که فاصله زیاد بین نمرات شخصیتی زن و شوهر به شکلی منفی با کیفیت ازدواج آنها در ارتباط است؛ فاصله زیاد نمرات شخصیتی ممکن است به تعارض زناشویی و نهایتاً تنیدگی زناشویی منجر می شود (به نقل از میلاردو<sup>۱</sup> و داک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ کلوور<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). می توان گفت که افرادی که روان رنجورخویی بالایی دارند، گرایش به عواطف و هیجانات منفی دارند، تکانشی عمل می کنند و تعارضات به وجود آمده در روابط شان را وخیم تر می نمایند، همچنین دیگر خصوصیات شخصیتی مانند بازبودن نسبت به تجربه، وجدانی بودن، توافق و برونگرایی چون با عواطف مثبت همراه هستند، باعث بهزیستی روانی شده و در نتیجه کیفیت زندگی را افزایش می دهد.

یافته های این پژوهش می تواند کاربردهای زیادی برای مشاوران خانواده و مشاوران قبل از ازدواج داشته باشد. مشاوران باید به عوامل مهمی که باعث ثبات و عدم ثبات زناشویی می شوند توجه نموده و در مشاوره های قبل از ازدواج جوانان و خانواده های آنها را نسبت به این عوامل آگاه نمایند و تا زمانی که افراد در آستانه ازدواج تغییراتی در جهت مثبت در این زمینه ها در خودشان به وجود نیاورده اند، اقدام به ازدواج ننمایند. در نهایت بر اساس یافته های پژوهش پیشنهاد می شود که این دوره های آگاهی بخشی برای جوانان در آستانه ازدواج در خصوص عوامل موثر و مرتبط با ثبات ازدواج گذارند و برای خانواده هایی که دچار تعارضات زناشویی در این زمینه ها شده اند، با مداخله های درمانی مناسب به آنها کمک نمایند تا مشکلات شان را حل نمایند.

<sup>1</sup>. Milardo, R.M.

<sup>2</sup>. Duck, S.

<sup>3</sup>. Kluwer, E.S.

## منابع

### منابع فارسی

- آماتو، پل. آر. (۲۰۰۰). پیامدهای طلاق برای کودکان و بزرگسالان (ترجمه محمدی زادگان، مهناز، ۱۳۸۰). نشر: انجمن اولیاء و مربیان (تهران). چاپ: اول، ۴۰-۱۴.
- حسینی نسب، سید داوود؛ بدری، رحیم؛ قائمیان اسکویی، آسان. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک های حل نعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره دوم، ۷۸-۵۷.
- حقیقی، جمال؛ و همکاران. (۱۳۸۵). رابطه الگوی پنج عاملی شخصیت با احساس شادکامی در دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید چمران. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، ۱۳(۳)، ۱۸۸-۱۶۳.
- حق شناس، حسن. (۱۳۷۸). هنجاریابی آزمون شخصیتی نئو، فرم تجدید نظر شده. فصلنامه اندیشه و رفتار، ۴(۴)، ۴۷-۳۸.
- ستوده، هدایت الله؛ بهاری، سیف الله. (۱۳۸۶). آسیب شناسی خانواده. تهران: انتشارات ندای آریانا.
- شیخ الاسلامی، راضیه؛ نجاتی، عصمت؛ احمدی، ساره. (۱۳۹۰). پیش بینی مولفه های شادکامی زنان متاهل از طریق عزت نفس و روابط زناشویی. مجله زن در فرهنگ و هنر، دوره ۳، شماره ۱، ۵۴-۳۹.
- عبدالله زاده، حسن. (۱۳۸۲). بررسی تاثیر صفات شخصیتی بر رضامندی زناشویی زوجهای شهر دامغان. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه تبریز (چاپ نشده)، ۱۶-۳.
- عطاری، یوسفعلی؛ امان الهی فرد، عباس؛ مهربابی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره های دولتی شهر اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره سوم، ۱۳(۱)، ۱۰۸-۸۱.

- فریش، مایکل بی. (۲۰۰۶). *روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی* (ترجمه خمسه، اکرم، ۱۳۸۹). تهران: انتشارات ارجمند. چاپ: اول، ۸۰-۱۷.
- کشاوری، امیر؛ وفایان، محبوبه. (۱۳۸۶). *بررسی عوامل تاثیرگذار بر میزان شادکامی*. مجله روان شناسی کاربردی، دوره دوم، شماره ۵، ۶۲-۵۱.
- کیامهر، جواد. (۱۳۸۱). *هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی نئو و بررسی ساختار عاملی آن در بین دانشجویان*. پایان نامه کارشناسی ارشد سنجش و اندازه گیری، دانشگاه علامه طباطبایی (چاپ نشده)، ۱۵-۲.
- لورا ای. برک. (۲۰۰۱). *روان شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)* (ترجمه سید محمدی، یحیی، ۱۳۸۴). نشر: ارسباران، جلد دوم، نوبت چاپ: چهارم، ویراست دوم، ۱۸۸-۱۷۰.
- نجات، سحرناز؛ و همکاران. (۱۳۸۵). *استاندارد سازی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF)*: ترجمه و روان سنجی گونه ایرانی. مجله بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. دوره ۴، شماره ۴، ۱۲-۱.
- میرزایی، فروغ؛ حاتمی، حمید رضا. (۱۳۸۹). *رابطه ی ویژگی های شخصیتی و شادکامی در دانشجویان*. فصلنامه اندیشه و رفتار، دوره پنجم، شماره ۱۷، ۵۶-۴۷.
- هیلگارد، ارنست. ار.، اتیکسون، ریتال.، واتکینسون، ریچارد.س. (۱۹۸۳). *زمینه ی روانشناسی* (ترجمه ی محمدنقی براهنی و همکاران، ۱۳۷۵). جلد دوم، تهران: رشد، ۱۱۰-۷۰.

## References

- Amato, P.R., & Rogers, S.J. (1997). *A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce*. Journal of Marriage and the family, 59, 612-624.
- Blanchard, V.L. (2008). *Does marriage and relationship education improve couples' communication? A meta-analytic study*. M.A Dissertation, Department of Marriage, Family and Human Brigham Young University.
- Bowling, A; & Gabriel, Z. (2007). *Lay theories of quality of life in older age*. Cambridge journal; Ageig Society, 27, 827-848.
- Crosini, R.Y. (1999). *The dictionary of psychology*. Berunner/ Mazel.



- Costa, P.T; &McCrea, R.R. (1980). *Influence of extraversion and neuroticism on subjective well-being*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 24, 279- 288.
- Diener, E; Suh, E.M; Lucas, R.E; & Smith, H.L. (1999). *Subjective well-being: Three decades of progress*. *Psychological Bulletin*, 125, 276-302.
- González Gutiérrez, J. L; Moreno Jiménez, B; GarrosaHernández, E; &Peñacoba Puente, C. (2005). *Personality and subjective Well-Being: big Five correlates and demographic variables*. *Personality and Individual Differences*, 38, 1561-1569.
- Karney, B.R; Bradbury, T. (1995). *The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, method, and research*. *Psychological Bulletin*, 118, 3- 34.
- Kluwer, E.S. (2000). *Marital Quality*. In R. M. Milardo & S. Duck (Eds.), *Families as relationships*. New York: John Wiley, 59- 78.
- Kurdek, L.A. (1993). *Predicting marital dissolution: A five- year prospective longitudinal study of newlywed couples*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 221- 242.
- Malouff, J. M; Thorsteinsson, E. B; Schutte, N. S; Bhullar, N; &Rookke, S. E. (2010). *The Five- Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta- analysis*. *Journal of Research in Personality*, 44, 124- 127.
- Milardo, R.M; & Duck, S. (2000). *Families as relationships*. New York: John Wiley.
- Olson, D. H; Defrain, J. (2006). *Marriages and Family intimacy, diversity and strengths* (5th Ed.). New York: McGraw- Hill.
- Rodrigues, A. E., Hall, J. H., Buffalo, S., & Fincham, F. D. (2007). *Predictors of divorce and relationship dissolution*, in: M. Fine & J. Harvey (Eds.). *Handbook of divorce and relationship dissolution*. 1th ed. Florida: Erlbaum.
- Zaleski, Z; &Galkowska, M. (1987). *Neuroticism and marital satisfaction*. *Journal of Behavioral research and therapy*, 16, 285-290.